جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۲ شماره ۶۵۴۲

مهار آتش‌سوزی در ساختمان

آتش‌سوزی ساختمان اداری تجاری در تهران مهار شد و پنج نفر مصدوم آن نجات یافتند.

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران به جام‌جم گفت: ساعت ۱۳ و ۵۲ دقیقه ظهر پنجشنبه بیست‌ونهم تیر امسال، مورد آتش‌سوزی در یک ساختمان اداری تجاری در خیابان آیت‌ا...کاشانی خیابان دانشور به سازمان آتش‌نشانی تهران گزارش شد. سه ایستگاه آتش‌نشانی به آنجا اعزام شدند و مشاهده کردند در یک ساختمان شش طبقه اداری تجاری که نمای کامپوزیت داشته است، یک قسمتی مانند تراس که چیلرها و کندانسورهای کولرهای گازی و سیستم‌های خنک‌کننده ساختمان در آنجا وجود داشته است، دچار آتش‌سوزی شده است.

وی افزود: آتش به‌قدری شعله‌ور بود که به‌علت نزدیک بودن به نمای کامپوزیت ساختمان به آنجا سرایت کرده و نماهای کامپوزیت به اندازه پنج متر آتش گرفته بود که آتش‌نشانان عملیات خودشان را آغاز کردند و موفق شدند آتش را مهار و از سرایت آتش به قسمت‌های دیگر کامپوزیت جلوگیری کنند. سرایت دود به داخل ساختمان باعث دودگرفتی پنج نفر شده بود که چهار نفر در محل درمان شدند و یک نفر به بیمارستان منتقل شد.



عامل شهادت ۲ مامور پلیس سرکرده حادثه تروریستی ایذه بود

درگیری مسلحانه ماموران مبارزه با مواد مخدر با قاچاقچیان مسلح منجر به شهادت دو مامور و هلاکت یک قاچاقچی شد.

سردار کیقباد مصطفایی، فرمانده انتظامی استان کهگیلویه‌وبویراحمد به سایت پلیس گفت: ظهر پنجشنبه بیست‌ونهم تیر امسال و پس از اطلاع از عبور یک محموله مواد مخدر در محور یاسوج به اصفهان در منطقه تلگاه اجرای طرح مهار در دستور کار پلیس قرار گرفت و ماموران عملیات دستگیری متهمان را آغاز کردند. این در حالی بود که قاچاقچیان پس از مشاهده ماموران به سوی آنها تیراندازی کردند.

اقدام مسلحانه قاچاقچیان با واکنش پلیس مواجه شد و در این درگیری یک نفر از سوداگران مرگ به هلاکت رسید و دو نفر بازداشت شدند.

وی افزود: در این عملیات مقادیری مواد مخدر، یک قبضه سلاح کلاشینکف و یک قبضه اسلحه کمری از عوامل ناامنی کشف شد. در این عملیات پلیسی دو نفر از حافظان امنیت به نام‌های سروان مهدی امینی‌مهر و ستوان یکم سیروس درخشان‌فر به شهادت رسیدند.

همچنین سیدجواد هاشمی، معاون سیاسی و امنیتی استاندار کهگیلویه و بویراحمد نیز در این باره گفت: ماموران انتظامی در منطقه تلگاه شهرستان بویراحمد، خودروی حامل مواد مخدر را مشاهده و متوقف کردند. در حالی که خودرو حامل مواد مخدر متوقف شده بود، سرنشینان یک دستگاه خودرو اسکورت کننده محموله به محض رسیدن به محل استقرار ماموران انتظامی، نیروهای انتظامی را به رگبار بستند و متواری شدند اما در ادامه دو نفرشان دستگیر شدند. دو عامل تیراندازی به ماموران به کوه‌های اطراف متواری شدند که یکی از آنها به هلاکت رسید. این فرد یکی از سرکردگان حادثه تروریستی ایذه در سال گذشته بود. این لازم به ذکر است، شهید ستوان یکم سیروس درخشان‌فر ۲۷ ساله، متاهل و یک فرزند ۹ ماهه داشت و شهید سروان مهدی امینی‌مهر ۳۷ ساله، متاهل و دارای دختری ۱۲ساله و اهل بخش لوداب از توابع شهرستان بویراحمد بود.



عامل شهادت مامور پلیس

تلاش یک هفته‌ای برای یافتن پسر ۹ ساله در رودخانه بی‌نتیجه ماند

در جست‌وجوی علی

یک هفته از ناپدید شدن علی منصوری در رودخانه جاده هراز روستای آب‌اسک می‌گذرد. پسربچه ۹ ساله‌ای که همراه خانواده‌اش برای تفریح به این منطقه رفته بود اما به درون رودخانه سقوط کرد و با وجود جست‌وجوی نیروهای امدادی، تاکنون هیچ نشانه‌ای از او پیدا نشده است. حالا تمام امید خانواده به جست‌وجوهای ادامه‌دار خود، فضای مجازی و بنرهایی است که ماجرای گم شدن علی را در آن شرح داده‌اند تا شاید سرنخی از او پیدا شود.



شنبه ۲۴ تیر علی همراه با مادر، خواهر بزرگ‌تر و دایی‌اش تصمیم گرفتند برای تفریح از تهران به شمال کشور بروند. پدر آن روز کار داشت و نتوانست ایشان را همراهی کند، برای همین خودشان راهی سفر شدند. ساعت حوالی ۹ و ۱۰ صبح بود که کنار رودخانه اتراق کردند و صبحانه خوردند. پس از صرف صبحانه، علی که حسابی از فضای سبز اطراف و دیدن امواج خروشان رودخانه به‌وجد آمده بود، به سمت آن رفت تا نزدیکی‌هایش بازی کند، ولی به محض نزدیک شدن به آب، در یک لحظه پایش لغزید و داخل رودخانه سقوط کرد. خواهر ۲۲ ساله علی که شاهد حادثه بود، بی‌معطلی وارد آب شد تا برادر کوچک‌ترش را نجات دهد، اما شدت آب آن قدر زیاد بود که نتوانست و علی را آب برد. حالا خواهر بزرگ‌تر در معرض خطر بود و این بار دایی به دل رودخانه زد، دست خواهرزاده‌اش را گرفت او را از آب بیرون کشید. آنها با هلال احمر، نیروی انتظامی و آتش‌نشانی تماس گرفتند و درخواست کمک کردند.

به گفته عموی علی، امدادگران هلال احمر، سایر نیروهای امدادی و گروه‌های مردمی سه روز تمام منطقه را گشتند، ولی هیچ سرنخی پیدا نکردند: «یک هفته از این اتفاق می‌گذرد. روزی که علی گم شد، تیشرت سفید و شلوار سرمه‌ای پوشیده بود اما در مدت جست‌وجو حتی تکه‌ای از لباس او را پیدا نکردیم. در حال حاضر، جست‌وجو توسط نیروهای امدادی تمام شده و خودمان به شکل خانوادگی تجسس را ادامه می‌دهیم. یک جورهایی دیگر از آب ناامید شده‌ایم. ما احتمالات مختلفی برای شرایط علی می‌دهیم و البته تمام اینها حدس و گمان است. فکر می‌کنیم علی شاید بیهوش شده و کسی او را از آب گرفته باشد یا دچار فراموشی شده است، هر احتمالی وجود دارد. حالا هم علاوه بر پخش عکس علی در فضای مجازی، بنرهای بزرگ و اعلامیه با مژدگانی در منطقه حادثه نصب کرده‌ایم تا اگر کسی از علی خبر داشت، به ما اطلاع دهد. از روزی که علی مفقود شده، نه ما و نه خانواده علی حال و روز خوشی نداریم و حال‌مان بسیار بد است. امیدوارم اگر کسی از وضعیت علی خبر داشت، به دل ما و پدر و مادر علی رحم کند و زودتر به ما اطلاع دهد.»

نظمیه

جنایت هولناک در مدرسه متروکه

پسر جوان وقتی نتوانست با دختر مورد علاقه‌اش ازدواج کند، او را کشت و جسدش را در مدرسه متروکه به آتش کشید.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ظهر روز پنجشنبه مردی هنگام عبور از کنار مدرسه متروکه‌ای در شهرک چوکا در رضوانشهر گیلان، متوجه جسد سوخته زنی در ساختمان آنجا شد. بلافاصله با پلیس تماس گرفت و تیمی از ماموران پلیس با حضور در محل تحقیقات جنایی در این باره را آغاز کردند. بررسی‌های اولیه نشان داد، مقتول ابتدا با ضربه چاقو به قتل رسیده و قاتل سپس جسد او را به آتش کشیده است. در کنار جسد چاقویی خونی قرار داشت که قاتل با آن مرتکب قتل شده بود. هویت مقتول به نام بیتا ۱۶ ساله خیلی زود شناسایی شد و ماموران با تحقیق از خانواده‌اش متوجه شدند او قرار بوده با پسر ۲۱ ساله‌ای ازدواج کند اما با مشکلاتی روبه‌رو شده بودند. با کشف این سرنخ احتمال قتل به دست او قوت گرفت و در کمتر از دو ساعت متهم به قتل در یک مسافر خانه در شهرک چوکا دستگیر شد. پسر جوان در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: وقتی نتوانستم با دختر مورد علاقه‌ام ازدواج کنم، تصمیم به قتل او گرفتم. بعد از کشتن بیتا جسدش را به آتش کشیدم. سرهنگ مجید رسول‌زاده فرساد، معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس گیلان در این باره گفت: مشکل پیش آمده بر سر ازدواج این دختر و پسر انگیزه قتل بود که پس از اعتراف به جرمش، به اتهام قتل عمد دختر جوان برای رسیدگی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفته است. وی ارتباط صمیمی والدین با فرزندان‌شان و نظارت بر رفتار و ارتباط آنها در فضای مجازی و حقیقی را یک ضرورت انکارناپذیر در جامعه امروزی برشمرد و گفت: خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه، باید پناهگاه و مامن اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان باشد و والدین باید در فضایی صمیمی و توأم با اعتماد سعی کنند مشکلات فرزندان‌شان را حل‌وفصل و از ریختن طرح دوستی افراد سودجو با فرزندان‌شان و سوءاستفاده‌های بعدی جلوگیری کنند. برخی اهالی رضوانشهر روایت هولناکی از این جنایت دارند و می‌گویند: این دختر و پسر به همدیگر علاقه داشتند و قرار بود ازدواج کنند اما مشکلاتی باعث شد نتوانند به هدف خود برسند. همین باعث شد پسر ۲۱ ساله تصمیم به انتقامی هولناک بگیرد و روز حادثه با ترفند و برای صحبت کردن، بیتا را به مدرسه متروکه در شهرک چوکا بکشاند. بعد دختر نوجوان را با ضربه‌های چاقو کشته و با ریختن بنزین به آتش بکشد. او سپس از صحنه سوختن جسد فیلم گرفته و آن را برای مادر بیتا ارسال کرده بود. شکایت مادر بیتا و کشف جسد در مدرسه متروکه راز این جنایت هولناک را فاش کرد.

عدلیه

دستبرد دزدان عنکبوتی به یخچال های پایتخت

دو پسرعموی سابقه‌دار بعد از آزادی از زندان، باندی پنج‌نفره تشکیل دادند و به خانه‌های غرب تهران دستبرد می‌زدند. متهمان با ورود به خانه از طریق بالکن با سرقت طلا، دلار و اموال قیمتی، مواد غذایی داخل یخچال‌ها را هم می‌بردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی زمستان سال گذشته مردی با حضور در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با طرح شکایتی از دستبرد دزدان به خانه‌اش در غرب تهران خبر داد. پس از این شکایت، با دستور قضایی ماموران پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران به آن محل اعزام شده و پی بردند طلا، سکه و ساعت‌های گرانقیمت از خانه شاکی در طبقه اول ساختمان و به شیوه بالکن‌روی سرقت شده است.

این در حالی بود که پس از این سرقت، افراد دیگری که ساکن غرب تهران بودند و خانه‌های‌شان مورد دستبرد قرار گرفته بود به اداره پلیس آمده و شکایت کردند. معلوم شد سارقان اموال قیمتی و حتی مواد غذایی از گوشت، مرغ، تخم‌مرغ و میوه‌های داخل یخچال را همراه کیسه‌های برنج به سرقت برده‌اند.

ماموران در بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته، تصاویری یافتند که نشان می‌داد سارقان در گروه‌های سه و چهار نفره مرتکب جرایم شده‌اند. سرانجام اوایل هفته گذشته سرقت جدیدی به پلیس گزارش شد. وقتی ماموران به این خانه در غرب تهران رفتند، پی بردند این خانواده هنگامی که از مهمانی بازگشته‌اند، متوجه سرقت شده‌اند و مرد خانواده وقتی از خانه بیرون آمده، دزدان را دیده که سراسیمه سوار خودرویی شده و متواری شده‌اند. او توانسته بود بخشی از شماره پلاک خودرو را به خاطر بسپارد. ماموران با بررسی خودروهای مشابه، سرانجام توانستند مالک آن را در شهر پرند شناسایی کرده و او را همراه چهار مرد دیگر دستگیر کنند.

وسایل و تجهیزات سرقت از جمله پیچ‌گوشتی، آچار، پتک و بخشی از اموال سرقتی داخل مخفیگاه متهمان بود و ماموران اطمینان داد آنها همان سارقان تحت تعقیب هستند. شهرام، سرکرده باند در اظهاراتش گفت: بارها بابت سرقت خانه‌ها زندانی شده‌ایم و از زمستان سال گذشته که آزاد شدیم، گروه‌مان تشکیل شد. برای سرقت، خانه‌های غرب تهران را انتخاب کردیم. در پرند خانه‌ای اجاره کردیم و شب‌ها با تردد در محله‌های غرب تهران، سراغ خانه‌هایی می‌رفتیم که چراغ‌شان خاموش بود. یکی یا دو نفر کشیک می‌دادند و بقیه از طریق بالکن وارد می‌شدیم. متهم ادامه داد: به طبقات اول تا سوم می‌رفتیم و طلا، سکه، پول نقد و ساعت‌های گرانقیمت را در ۱۵ دقیقه جمع کرده، درون کوله‌پشتی می‌انداختیم، گاهی تابلوفرش، برنج و موادغذایی از یخچال سرقت می‌کردیم. باموادغذایی سرقتی برای خودمان غذا پخته و می‌خوردیم، اموال سرقتی را هم در شهرستان می‌فروختیم و بعد از چند هفته دوباره برای سرقت خانه‌ها به تهران می‌آمدیم. مصطفی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر گفت: با اعتراف متهمان، تحقیقات برای دستگیری مالخران ادامه دارد.





محکمه

ادعای متهم به قتل در جلسه رسیدگی به جنایت مستانه

قربانی بدعهدی قاتل شدم!

پسر جوان که متهم است در دعوای مستانه مرتکب قتل شده در جلسه دادگاه مدعی شد، به دلیل عهدشکنی دوستانش، او به‌عنوان قاتل معرفی شده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از اسفند سال ۹۹ و با گزارش درگیری چند پسر جوان در آلاچیق پارکی در شهریار آغاز شد. پسر ۳۳ ساله‌ای به نام داوود در این درگیری با ضربه چاقو مجروح شده بود که پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت جراحات جان باخت. ماموران پلیس آگاهی سه دوست به نام‌های طاهر، بهزاد و محسن را به‌عنوان متهمان پرونده شناسایی کرده و جست‌وجوها برای دستگیری آنها آغاز شد. پس از ۱۲ روز سه متهم که در باغی متروکه مخفی شده بودند، خود را تسلیم کرده و به شرکت در این درگیری مرگبار اعتراف کردند. بهزاد در تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: همراه طاهر و محسن به پارک رفتیم. به خاطر مستی، حالت طبیعی نداشتیم. داوود هم در آلاچیقی نشسته بود و مشروب می‌خورد. شروع به فحاشی به ما کرد که همین باعث شروع درگیری شد. ما با چاقو و قمه به او حمله کردیم که ضربات مرگبار را من زدم. بهزاد در بازسازی صحنه جرم هم به تشریح قتل داوود پرداخت و پرونده با صدورکیفرخواست به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده، اولیای‌دم داوود درخواست قصاص قاتل را مطرح کردند. برادر مقتول به قضات گفت: برادرم و طاهر از قبل با هم اختلاف و درگیری داشتند. طاهر از اراذل و اوباش منطقه است که مدتی قبل برادرم او را کتک زده بود. به همین دلیل طاهر از برادرم کینه گرفت و او را کشت. حالا بهزاد قتل را گردن گرفته است. رئیس دادگاه سپس از بهزاد خواست در جایگاه قرار بگیرد که او در این جلسه منکر قتل شد و گفت: پیش از این تحت فشار روانی بازجویی به قتل اعتراف کردم. واقعیت این است من ضربه کشنده را به مقتول نزدم، فقط چند ضربه به کمرش زدم اما داوود بر اثر اصابت ضربه چاقو به گردنش کشته شد که این ضربه را طاهر زد. در ادامه طاهر در جایگاه قرار گرفت و گفت: بهزاد به دروغ می‌خواهد قتل را گردن من بیندازد. در آن دعوا شرکت داشتم اما ضربه‌ای به داوود نزدم و بهزاد در حالت مستی او را کشت. محسن آخرین متهمی بود که در جایگاه قرار گرفت. او هم قبول کرد در این دعوا شرکت کرده اما مدعی شد ضربه‌ای به مقتول نزده است. در حالی که متهمان منکر قتل بودند پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادسرا بازگشت که بعد از رفع نواقص، متهمان دوباره محاکمه شدند. اولیای‌دم در این جلسه دوباره درخواست قصاص قاتل پسرشان را مطرح کردند. بهزاد در این جلسه دوباره منکر قتل شد و گفت: آن شب در پارک مست بودم و با داوود درگیر شدم. با پهنه قمه ضربه‌ای به سر داوود زدم که پزشکی قانونی اعلام کرده آن ضربه کشنده نبوده است. داوود به دلیل ضربه چاقو به گردنش فوت کرده است. من و دوستانم با خود عهد کردیم که قتل را گردن بگیریم. به خاطر آن عهد اعتراف کردم با قمه ضربه‌ای به داوود زدم اما طاهر عهدشکنی کرد و با دروغگویی می‌خواهد قتل را گردن من بیندازد. حقیقت پرونده این است که طاهر قاتل است.

طاهر اما این ادعا را رد کرد و گفت: چند ضربه چاقو به داوود زدم اما به گردنش ضربه نزدم. من و داوود از قبل اختلاف‌هایی داشتیم اما راضی به مرگش نبودم، او وقتی ما را دید، فحاشی کرد و دعوا راه انداخت. محسن هم گفت: در این درگیری چاقو داشتم اما ضربه‌ای به داوود نزدم.

پس از دفاعیات متهمان قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

نجات ۲ نفر در سقوط هواپیما

دو سرنشین سقوط هواپیمای آموزشی فوق‌سبک، پس از سقوط جان سالم به‌در بردند. حسین خوئینی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان قزوین به مهر گفت: ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه بیست‌ونهم تیر امسال، گزارش سقوط یک فروند هواپیمای سمپاشی در روستای شورجه در شهرستان تاکستان به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات جمعیت هلال احمر گزارش شد. در ادامه دو گروه از نیروهای امدادی به آنجا اعزام شدند. معلوم شد که این هواپیما یک هواپیمای آموزشی فوق سبک بوده است. خلبان این هواپیما با درایت عمل کرده و در شرایط اضطراری از فضای شهر فاصله گرفته و در زمین کشاورزی فرود آمد اما به دلیل این‌که خاک زمین کشاورزی نرم بوده هواپیما واژگون شد. حال دو سرنشین هواپیما که دچار مصدومیت جزئی شدند، مساعد است. شواهد نشان می‌دهد این هواپیمای فوق سبک برای آموزش از منطقه زنجان حرکت کرده بود.

تلنگر

قتل پسرعموی قاتل وحید مرادی

پسرعموی قاتل وحید مرادی که در زندان رجایی شهرکرج اعدام شده بود، در حمله افراد ناشناس در تهران به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲۰ پنجشنبه بیست‌ونهم تیر امسال وقوع درگیری میان راکبان دو موتورسیکلت در چهارراه تیردوقلو حوالی محله هفدهم شهریور تهران به پلیس گزارش شد. ماموران برای بررسی ماجرا به آنجا اعزام شدند اما خبری از درگیری نبود تا این‌که ساعت یک بامداد روز جمعه ـ دیروز ـ ماموران کلانتری مولوی به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع دادند، مردی که در جریان یک درگیری در چهارراه تیردوقلو زخمی شده بود، به بیمارستان منتقل و فوت شده است. با هماهنگی قضایی ماموران از مرد همراه مقتول تحقیقات کردند که وی گفت: مهدی ۲۷ ساله دوستم بود. آن شب ترک موتورسیکلتم نشسته بود. حوالی چهارراه تیردوقلو، دو مرد که سرنشینان یک موتورسیکلت بودند با ما برخورد کردند و بعد در خیابان مزاحم ما شدند. راکب موتور دست بردار نبود و تعقیب‌مان می‌کرد. پس از طی مسافتی موتورسیکلتم را متوقف کردم، پیاده شدیم تا بفهمیم از جان‌مان چه می‌خواهند. در همین موقع، ترک‌نشین موتور پیاده شده و سمت‌مان آمد. او بی‌هیچ مقدمه‌ای چاقویی را از جیبش درآورد و محکم به قفسه سینه مهدی وارد کرد. بعد به من حمله کرد که جا خالی دادم. مهدی را ترک موتور گذاشتم و به دنبال‌شان رفتم تا مانع فرارشان شوم اما حال دوستم بد شد و نتوانستم به تعقیب آن دو جوان بپردازم و متواری شدند. فقط توانستم دوست زخمی‌ام را به بیمارستان برسانم. او ساعاتی تحت درمان بود اما فوت شد. در ادامه تحقیقات از شاهد ماجرا معلوم شد که مقتول پسرعموی مردی به نام سعید یک زندانی سابقه‌دار بوده که چندی قبل به اتهام قتل وحید مرادی قصاص شد. با مشخص شدن این موضوع روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد و احتمال می‌رود آنها برای قتل اجیر شده باشند.

وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر گفت: جست‌وجوها برای دستگیری قاتل فراری و همدستش و افشای دیگر ابعاد این پرونده ادامه دارد.

مرگ پسر و زن جوان در پارک

پلیس تهران تحقیقات درباره علت مرگ پسر جوان و زنی که جسدشان در دو پارک در تهران پیدا شده بود را آغاز کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه شامگاه چهارشنبه بیست و هشتم تیر امسال یکی از ماموران کلانتری قائم در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را درجریان کشف جسد زنی ۳۲ ساله در یکی از پارک‌های شمال تهران قرار داد.

بررسی‌های اولیه پلیسی نشان می‌داد ساعتی از مرگش گذشته است. چون آثار ضرب و جرح روی بدن او وجود نداشت مرگ او مشکوک به نظر می‌رسید. از روی مدرک همراهش هویتش شناسایی شد.

ماموران برای روشن شدن ماجرا به تحقیق از افراد حاضر در این پارک پرداختند و متوجه شدند این بوستان، پاتوق این زن معتاد و محل تردد او بوده است.

ساعاتی قبل هم بعد از مشاجره لفظی میان او و چند مرد و زن معتاد در آنجا با هم از پارک خارج شدند. پس از آن این زن کنار شمشادها رفت و همانجا ماند. ساعاتی بعد یکی از افراد حاضر در پارک که قصد ترک آنجا را داشت، متوجه مرگ این زن شد و با پلیس تماس گرفت. حدود ۱۹ ساعت بعد، دومین جسد در پارکی در محله رازی پیدا شد.

مردی که برای تفریح و ورزش به این پارک آمده بود، مرد جوانی را دید که کناری افتاده است. وقتی نبض او را گرفت فهمید مرده است. همان موقع به پلیس ۱۱۰ زنگ زد و ماجرای کشف این جسد را اطلاع داد.

با حضور ماموران کلانتری رازی به پارک و بررسی‌های اولیه مشخص شد زمان کوتاهی از مرگ او گذشته، آثار ضرب و جرح روی بدنش وجود ندارد و معلوم نبود چرا فوت شده است. ماموران از افراد حاضر در پارک تحقیق کردند اما کسی متوجه ماجرا نشده بود.

ماموران در بازرسی بدنی، کارت شناسایی او را پیدا کردند. با مشخص شدن هویتش موضوع به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد.

در ادامه ماموران توانستند خانواده جوان فوت شده را شناسایی کنند که با تحقیق از آنها مشخص شد که فرزندشان در یک مغازه کار می‌کرده بعد از پایان کارش برای استراحت به خانه آمده و بعد از آن بیرون رفت و دیگر بازنگشته است تا این‌که در تماس پلیس با خانه‌شان متوجه مرگ او شدند.

تحقیقات برای رازگشایی از مرگ این زن و مرد با دستور قضایی آغاز شده است. همچنین قرار شده فیلم دوربین‌های مداربسته این پارک‌ها بررسی شود.